





doi Criticism and analysis and introduction of the manuscript "Poetry and Poetry": Unpublished manuscript of Badio Zaman Forozanfar in the field of history of literature

  Najmeh Dorri ¹

Submitted: 2024-06-14 Revised: 2024-07-04 Accepted: 2024-08-23 Published: 2025-03-21 pp.167-191

Abstract

The Isfahan school of art is a prominent style of Persian miniaturist from the Safavid era. manuscript visualization such as the Shahnameh which is characterized by its epic themes and the presence of animal motifs, has drawn the attention of artists like Moin Mosavvar, who displayed remarkable skill and a unique perspective in depicting animals. Animal motifs were a significant aspect of the Safavid period Isfahan school's painting. Hence, the current research explores the elements and qualities of animal and mythological motifs, and how these motifs are combined in four Moin Mosavvar's works. The main question is: In the four discussed works of Moin Mosavvar, what are the visual components of the animal and mythological motifs?. Based on the results of this research, it was determined that by looking at the visual elements such as line, color, texture, rhythm, movement, and composition in the four specific illustrated works of the Moin Mosavvar, it was determined that the painter generally used to create compositions such as snails, spreads, and spirals in the pictures, he used visual elements such as curves and diagonals to create the illusion of movement and rhythm. Furthermore, the use of dark, light, warm, and cold colors has resulted in a visual quality of contrast while eye movement is taking place.

Keywords: Animal Motifs ,Moein Mosavar ,Painting ,Safavid era painting ,Isfahan school.

CONFLICT OF INTERESTS

The authors declare that there is no conflict of interest regarding the publication of this paper.

This is an open access article under the terms of the [Creative Commons Attribution-NonCommercial License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/), which permits use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited and is not used for commercial purposes.

© 2024 The Author(s). Journal of Codicology and manuscript research published by Torath pub. on behalf of the Scientific Association of Manuscript Research and Codicology of IRAN.



¹. Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. (Corresponding Author) drdorri_3415@yahoo.com





References

- The Holy Quran
 - Antarah ibn Shaddād (1964). Diwan, edited and studied by Muhammad Saeed Moulavi: Islamic School.
 - _____ (1383). *Dīwān, Sharḥ-i Ḥamdu Ṭamās*. Bayrūt: Dār al-Maʿrifa.
 - Dabīr Sīāqī, Muḥammad (1386). *Taqrīrāt-i Ustād Badīʿ al-Zamān Furūzānfar dar bārah-yi Tārīkh-i Adabiyāt-i Irān*. Tehran: Khajasteh.
 - Dehkodā, ʿAlī Akbar (1385). *Lughatnāmeḥ*. Tehran: University of Tehran.
 - Enāyatollāh Majīdī. *Tārīkh-i Ādabiāt-i Irān baʿd az Islām tā pāyān-i Tīmūriyān*. Tehran: Printing and Publishing Company.
 - Ferdowsī, Abū al-Qāsim (1391). *Shāhnāmeḥ, taṣḥīḥ-i Jalāl Khāleqī Moṭlaq*. Tehran: Center for the Great Islamic Encyclopedia.
 - Forouzanfar, Badiʿozzamān. (1351). *Majmuʿe Maqalat va Ashʿar-e Ustad Forouzanfar [Collected Articles and Poems of Master Forouzanfar]*. Edited by Enayatollah Majidi. Tehran: Dehkoda.
 - _____ (1383). *Dīwān, Sharḥ-i Ḥamdu Ṭamās*. Bayrūt: Dār al-Maʿrifa.
 - _____ *Sokhan va Sokhanvarān* (1358), Tehran: Kharazmi Publishing.
 - Manuscript titled :*Taqrirat darbare-ye Maʿani va Bayan va Tarikh-e Nazm va Nasr-e Farsi*, number (201)15/11577, Central Library of the University of Tehran.
 - Manuscript titled: *Falsafeh va Hekmat va...*, number 32/11577, Central Library of the University of Tehran.
 - Manuscript titled: *Maʿani va Bayan*, number 18/11577, Central Library of the University of Tehran.
 - Manuscript titled: *Sarf va Nahv va Elm-e Balaghat-e Farsi*, number 16/11577, Central Library of the University of Tehran.
 - Nezami Aruzi, Ahmad ibn Omar ibn Ali. (1327). *Čahār Maqāla* [Four Discourses]. *Taṣḥīḥ Moḥammad Qazvini*, by Moḥammad Moʿin.
 - Typed drafts with numbers 20/11577 and 30/11577 related to the history of Iranian literature, housed in the Central Library of the University of Tehran.



نقد و تحلیل و معرفی نسخه خطی «شعر و شاعری» دست نوشته منتشر نشده بدیع الزمان فروزانفر در حوزه تاریخ ادبیات



نجمه درّی^۱  

از صفحه ۱۶۷ تا صفحه ۱۹۱ تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۲۵ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۳/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۰۲ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۱/۰۱

چکیده

استاد بدیع الزمان فروزانفر از جمله استادان بزرگ زبان و ادبیات فارسی است و آثار ارزشمندش در حوزه تاریخ ادبیات و شناخت شعر کلاسیک فارسی از جمله برترین آثار پژوهشی و علمی در این رشته است. در مقاله حاضر سعی بر این است تا ضمن معرفی یکی از دست نوشته‌های استاد فروزانفر که تاکنون منتشر نشده است، نکات قابل تأمل در این خصوص را به روش توصیفی تحلیلی مورد نقد و بررسی قرار دهیم. نسخه مورد پژوهش ما دست نوشته‌ای است به خط بدیع الزمان فروزانفر که با شماره ۱۱۵۷۷/۳۳ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می‌شود و ۸۶ صفحه دارد. این مجموعه که نام «شعر و شاعری» را بر آن نهاده‌اند با تعریف شعر آغاز می‌شود و آخرین صفحاتش پیرامون دوایر عروضی است که ناتمام مانده است. زبان این اثر فارسی و عربی است. به این صورت که اصل اثر به زبان فارسی است، ولی شواهد بسیار زیاد شعری به زبان عربی در آن آمده و گاهی نیز توضیحات نویسنده، در خصوص فنون شعری و محاسن و معایب اشعار و وزن شعر و ... در نثر به زبان عربی بیان شده است. سبک نگارش فروزانفر در این اثر با زبانی شیوا و استوار همراه است و گاه به شیوه سبک نویسندگان قرون چهارم و پنجم بسیار نزدیک می‌شود. فروزانفر تعدادی از اشعار خود را نیز به عنوان شاهد مثال در کنار اشعار دیگران ذکر کرده است. برخی نظرات مطرح شده ایشان، در خصوص بایدها و نبایدهای شعری، اهمیت حماسه یا جایگاه مدح و مضامین غنایی، قابل نقد و باز اندیشی است. این اثر در کنار سایر آثار استاد و به عنوان مکمل برخی موضوعات می‌تواند برای پژوهشگران حوزه شعر فارسی دستاوردهای قابل توجهی داشته باشد.

واژگان کلیدی: بدیع الزمان فروزانفر؛ شعر و شاعری؛ تاریخ ادبیات؛ شعر فارسی؛ نسخه خطی.

Cite this article: Dorri, Najmeh. (2025) Criticism and analysis and introduction of the manuscript "Poetry and Poetry" (Unpublished manuscript of Badio Zaman Forozanfar in the field of history of literature). Journal of Codicology and Manuscript Research (JCMR) (In Persian: Pizhūhish/hā-yi nuskhah/shināsī va taṣḥīḥ-i mutūn). Vol-4, Issue-1, 167-191. <https://doi.org/10.22034/crtc.2024.462895.1151>

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. n.dorri@modares.ac.ir



در هر ساحتی از علوم و فنون همیشه ستارگانی هستند که درخشش انوار فضلشان جهان را درمی‌نوردد و ذکر نامشان در هر عنوان اصلی و فرعی در عرصه آن دانش، بیانگر استواری، ثبات، گستردگی، تعمق و تفقه است و به قولی فصل الخطاب جامعیت و تسلط در آن حوزه قلمداد می‌شوند. محمدحسین بشرویه‌ای با شهرت گویای بدیع الزمان فروزانفر از جمله این بزرگمردان است که نام پر مسمایش با جایگاه علمی او هم‌خوانی دلنشینی دارد؛ زیرا هم اعجوبه بدیع روزگار ماست و هم روشنایی بخش دنیای علم و ادبیات. از این رو آثار ارزنده این استاد که تعدادشان هم کم نیست از خرد وکلان همواره مورد توجه بوده و در کمترین بازه‌های زمانی توسط خود ایشان یا شاگردانشان و پژوهشگران دیگر نشر یافته است تا وجود مبارک استاد بعد از فقدان جسمانی‌شان همچنان بتواند در مقام استادی، شاگردپروری کند.

از بین آثار ارزنده ایشان بخش معتنا بهی را مطالعات مربوط به تاریخ ادبیات تشکیل می‌دهد که حاصل سال‌ها تدریس در کرسی ادبیات دانشگاه تهران است. دست نوشته خطی^۱ به جای مانده از استاد که موضوع پژوهش حاضر است، از اولین تلاش‌ها در حوزه تاریخ ادبیات است و تاکنون منتشر نشده است.

۱-۱ - **مروری بر پیشینه پژوهش و تاریخچه موضوعی:** به نظر می‌رسد برای درک بهتر جایگاه این اثر در حوزه تاریخ ادبیات ایران و قبل از پرداختن به معرفی آن لازم است مروری داشته باشیم بر سایر آثار این نویسنده که در همین حوزه انتشار یافته است. این مجموعه آثار که حاصل سال‌ها تفقه ادبی استاد و بیانگر جامعیت بی‌نظیر ایشان است در یکصد سال گذشته است در سه بخش و به شرح زیر به چاپ رسیده؛ مهم‌ترین آن‌ها و قسمت اعظمش تحت نظارت خودشان در مجموعه سخن و سخنوران به چاپ رسیده که در دسترس علاقه‌مندان بوده است و منبعی غنی در حوزه تاریخ ادبیات است.

سخن و سخنوران: این اثر ارزشمند در حقیقت الگویی برای تحقیق در تاریخ ادبیات ایران است و به واقع پلی است که می‌تواند سنت دیرینه تذکره نویسی در ادبیات فارسی را به پژوهش‌های نوین در حوزه تاریخ ادبیات متصل کند. در این بین البته تمرکز و توجه استاد بیشتر بر حوزه نقد شعر است و از آنجا که تسلط بی‌نظیری بر قلمرو ادبیات کلاسیک ایران - به ویژه شعر سبک خراسانی و سبک عراقی - داشته است، همواره نکات بدیع و ارزنده‌ای

۱ - مرسوم است نسخه‌های به جا مانده مربوط به قبل از پیدایش صنعت چاپ را نسخه خطی و آثار مربوط به بعد از آن را دست نوشته خطی می‌نامند. زیرا معمولاً نسخه واحد محسوب می‌شوند و بسیاری از حساسیت‌های نسخ خطی قدیمی در مورد این آثار وجود ندارد.



ذیل معرفی شاعران یا جریان‌های ادبی متذکر می‌شود که راهگشای متأخران بوده است. برای نمونه اثر ارزنده ذبیح الله صفا با عنوان تاریخ ادبیات ایران که امروزه از مشهورترین مجموعه‌های این عرصه است بدون شک از سخن و سخنوران تأثیر پذیرفته است.

تاریخ ادبیات ایران (بعد از اسلام تا پایان تیموریان): بخشی از دست‌نوشته‌ها در موضوع تاریخ ادبیات به صورت یادداشت‌های پراکنده در دسترس بوده است که چندی پیش با عنوان تاریخ ادبیات ایران (بعد از اسلام تا پایان تیموریان) به چاپ رسیده است. تصحیح و آماده‌سازی این مجموعه را عنایت‌الله مجیدی بر عهده داشته و با مقدمه‌ای از عبدالحسین زرین‌کوب (۱۳۸۳) توسط شرکت چاپ و انتشارات سازمان اوقاف و امور خیریه در حدود ۶۰۰ صفحه منتشر شده است.

ساختمان این کتاب بدین صورت است که ابتدا دوره مورد نظر را که حدوداً ده قرن را در برمی‌گیرد به هشت دوره به این شرح تقسیم کرده است: از ابتدای قرن اول تا سال ۲۰۵ هجری - عصر طاهریان - عصر صفاریان - عصر سامانیان - عصر غزنویان - عصر سلجوقیان - عصر مغول و در نهایت عصر تیموریان. در هر دوره نیز ابتدا یک مقدمه تاریخی مطرح شده و سپس وضع ادبیات و شاعران و نویسندگان مهم و تأثیرگذار در آن عصر معرفی شده‌اند. این کتاب از این نظر الگو و نمونه‌ای برای کتاب‌های تاریخ ادبیات بعد از خود می‌تواند باشد و قدری با ساختار کتاب پیشین یعنی سخن و سخنوران متفاوت است. در پیش‌گفتار چاپ نخست این کتاب آمده است:

«کتاب ارزشمند تاریخ ادبیات ایران تألیف روانشاد فروزانفر که اینک به مشتاقان آثار او عرضه می‌شود در حقیقت مواد درس ادبیات اوست در دانشگاه تهران. تحریر این یادداشت‌ها به سال ۱۳۰۷ ش باز می‌گردد و بخشی از آن در زمان حیات استاد در سلسله انتشارات مؤسسه وعظ و خطابه، سپس ضمن کتاب مباحثی از تاریخ ادبیات ایران به چاپ رسید. موضوع تاریخ ادبیات از آن نوع که در کتاب سخن و سخنوران و تاریخ ادبیات ایران که از جانب مؤسسه وعظ و خطابه در سال ۱۳۱۷ انتشار یافت می‌بینیم از نخستین موضوعاتی است که استاد فروزانفر از همان دوران نوجوانی و هنگامی که نزد مرحوم ادیب نیشابوری در مشهد تلمذ می‌کرده، بدان توجه نشان داده است. این دعوی مبتنی بر یادداشت‌ها و دفاتری است در موضوع تاریخ ادبیات که از او به یادگار مانده است. کتابی بی‌نام از او به جا مانده که به سبک و شیوه سخن و سخنوران تألیف شده و مربوط به سال‌های دانش‌اندوزی استاد در مشهد بوده است. جنگ مندرس دیگری در میان یادداشت‌های همان سال‌ها هست که منتخبی از اشعار شعرای متقدمین و معاصرین را در بردارد. جز این‌ها استاد خود، زمان تقریر بخشی از این تاریخ ادبیات را بر ما معلوم می‌دارد آنجا که می‌گوید: «راجع به میزان شعر رودکی در خطابه‌ای که به سال ۱۳۰۸ ایراد کردم و در



بحث از تاریخ ادبیات که همان سال در دانشسرای عالی تقریر نمودم و آن مباحث جزء انتشارات موسسه وعظ و خطابه در سال ۱۳۱۶-۱۳۱۷ به طبع رسیده...»

از سخن فروزانفر به روشنی برمی‌آید که آن مقدار از تاریخ ادبیات ایران از سامانیان تا سلجوقیان که در سال ۱۳۱۶-۱۳۱۷ انتشار یافته به سال ۱۳۰۸ شمسی تقریر شده است. نکته درخور توجه اینکه همین مقدار از تاریخ ادبیات که ذکر آن رفت، برگرفته از دفاتری است که چنانکه گفتیم همه آنها در دوران جوانی و در نخستین سال‌های ورود استاد به تهران تحریر شده و وی این قسمت را با اصلاح اندک به چاپ رسانیده. نتیجه‌ای که از این مطالب حاصل می‌شود این است که این تاریخ ادبیات که اکنون پیش روی شماست بعد از عهد اسلامی تا پایان تیموریان را در برمی‌گیرد، در حدود هشتاد سال پیش از این از خامه فروزانفر تراوش کرده است و اگر در نظر آوریم که غالب دواوین و آثار کسانی که احوال آنان در این اثر مورد بررسی قرار گرفته در آن ایام به طبع نرسیده بوده و آن مرحوم ناگزیر بوده است از نسخه‌های دست‌نوشته استفاده کند آنگاه به دقت نظر و نوآوری و نبوغ و درایت فروزانفر پی خواهیم برد. (ر.ک فروزانفر، ۱۳۸۳، ۱۳، ۱۳)

تقریرات استاد بدیع الزمان فروزانفر درباره تاریخ ادبیات ایران: علاوه بر دو کتاب یاد شده بخشی از این یادداشت‌ها نیز با عنوان «تقریرات استاد بدیع الزمان فروزانفر درباره تاریخ ادبیات ایران» در شعبه زبان و ادبیات فارسی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران (۱۳۲۰ تا ۱۳۲۲) توسط محمد دبیر سیاقی تهیه و تنظیم شده است. در حقیقت دبیرسیاقی بیانات استاد را به صورت تندنویسی در کلاس‌های درس یادداشت برداری کرده و سپس همراه با مقدمه و فهرست‌ها و حواشی در سال ۱۳۸۶ و در انتشارات خجسته، در ۴۲۵ صفحه آن را به چاپ رسانده است. در مقدمه این کتاب آمده است:

«این تقریرات را که نگارنده در ساعاتی که تدریس می‌شد تندنویسی و سپس با آنچه همکار دانشمندم مرحوم دکتر گلشن ابراهیمی تندنویسی کرده بود مقابله و شب هنگام پاک‌نویس کرده بودم بیش از ۶۰ سال چون یادگاری عزیز و مرجعی پرسود همراه تقریرات دیگر استادان خود محفوظ داشته بودم... به تصدیق همه دانشجویان دوره‌های قبل و بعد از ما درس استاد فروزانفر برای دانشجویان سودمندی دیگر داشت. مجلس درسشان گرم‌تر و منظم‌تر بود و مؤید آن هم همین تقریرات است که ملاحظه می‌فرمایید چگونه منسجم و دور از خشکی و یکنواختی و آکنده از نکات ظریف و دقیق است» (ر.ک فروزانفر، ۱۳۸۶ به کوشش محمد دبیر سیاقی، پیشگفتار)



برخی از مهم‌ترین مطالب و موضوعاتی که در این تقریرات مطرح شده عبارتند از: تعریف ادبیات، تقسیم ادوار تاریخ ادبیات، مباحث فقهی و عرفانی حدوث علوم کلام و توجه مسلمین به علوم عقلی و فلسفه تصوف، تاریخ ایران و تحلیل ادبیات با اطلاع بر مجاری حوادث و اوضاع سیاسی و مذهبی، معرفی اخوان الصفا و ...

با وجود اقرار بر اشتغال آثاری که ذکر آنها گذشت و همگی جایگاه ارزنده‌ای در تاریخ نگاری ادبی ایران داشته‌اند، نسخه مورد پژوهش ما حاوی نکات تازه‌ای است که می‌تواند مکمل پژوهش‌های پیشین باشد. این مجموعه توسط نگارنده این مقاله تصحیح شده و همراه با ترجمه متون عربی و حواشی و توضیحاتی دیگر در دست چاپ است. در این مقاله ضمن معرفی این نسخه مروری خواهیم داشت بر ویژگی‌های شکلی و محتوایی این اثر با ذکر این نکته که بر روی صفحه نخست عبارت «شعر و شاعری» نوشته شده است که به نظر می‌رسد عنوان انتخابی خود نویسنده برای کتابی بوده است که به پایان نرسیده است. تمرکز این کتاب بر حوزه شعر فارسی است و از تعریف واژگانی و اصطلاحی شعر و خصوصیات آن آغاز می‌شود و سپس فنون شعری، انواع شعر، معرفی شاعران؛ جایگاه شعر و ... را در برمی‌گیرد. بخش پایانی این اثر به مباحث عروضی شعر اختصاص دارد. (صفحه آغازین و پایانی نسخه در پیوست‌ها آمده است.)

۲- معرفی اثر:

این دست نوشته ۸۶ صفحه‌ای با خط خوش و خوانای فروزانفر بر کاغذهای زردرنگ نوشته شده است. صفحه اولش سفید است و تنها شماره سند ۱۱۵۷۷/۲۳ و تاریخ اهدای آن به دانشگاه تهران که سال ۱۳۲۸ شمسی است بر آن نوشته شده و متن کتاب از صفحه دوم با عبارت «بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین» آغاز می‌شود.

عبارت آغازین این کتاب چنین است: «الحمد لله رب العالمین و الصلوة و السلام علی نبینا محمد خاتم النبیین و علی آله الطیبین سیما ابن عمه و وصیه علی امیر المومنین ای یوم الدین. فصل. شعر در لغت به معنای علم (دانستن) است. قال الفیروزآبادی...»

مطالب کتاب بعد از آن بی‌وقفه ادامه دارد. به رسم پیشینیان عنوان‌های اصلی و فرعی در آن ذکر نشده و بخش‌های مختلف با آوردن واژه فصل از هم تشخیص داده می‌شود؛ اغلب ابیات به ساختار معمول و مرسوم شعری در مقابل هم نوشته شده‌اند ولی مصرع‌ها و سایر عبارات در لابه‌لای متن قرار گرفته است. عبارات فارسی و عربی در هم تنیده شده و گاهی تشخیص آن دشوار است. برای نمونه پس از دو صفحه آغازین در مورد معنای لغوی شعر و اختلاف نظرها از صفحه سوم به بعد نظر اشخاص دیگر را در رد و قبول تعاریف شعر بع زبان عربی ذکر کرده



است و همه شاهد مثال‌ها نیز به زبان عربی است تا اینکه نوبت به معرفی شعر رودکی می‌رسد. همچنین در هنگام تکمیل مباحث مختلف معمولاً با عبارت «انتهی» پایان سخن را مشخص می‌کند. صفحات پایانی به موضوع عروض و قافیه و مرور مباحثی در خصوص دوایر عروضی اختصاص دارد که یکباره مطلب نیمه تمام رها می‌شود. صفحه پایانی نیز سفید است.

در روند انجام این پژوهش از آنجا که هیچگونه سرنخی از ادامه دست‌نوشته‌ها در دست نبود و به نظر می‌رسید، شاید با جستجوی بیشتر بتوانیم ادامه مطالب را در لابه لای دست‌نوشته‌های به جا مانده از استاد بیابیم با دقت و حساسیت بسیار تمامی اسناد موجود را که همگی در مرکز اسناد و نسخ خطی دانشگاه تهران نگهداری می‌شد بررسی کردیم. این اسناد در بخشی با عنوان دست‌نوشته‌های فروزانفر در کارتن‌ها و پوشه‌هایی جمع‌آوری شده بود. همکاری کارمندان بخش اسناد و نسخ خطی برای یافتن ادامه نسخه مآجور و شایسته تقدیر است. در نهایت تعدادی از اسناد موجود را که در این مرکز نگهداری می‌شد و در حوزه تاریخ ادبیات و یا در محدوده موضوع شعر و شاعری قرار داشتند انتخاب شدند تا با دقت بیشتری بررسی شوند. پس از اقدامات لازم و نامه‌نگاری‌ها و پی‌گیری‌های بسیار در نهایت اسناد مرتبط اسکن شده و فایل‌های آن در اختیار نگارنده، قرار داده شد که در اینجا مناسب است این اسناد برای اطلاع از روند کار و تسهیل ادامه مسیر به حضور علاقه‌مندان معرفی شود. اسناد بررسی شده در حدود بیست فایل جداگانه بود که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

- تقریرات درباره معانی و بیان و تاریخ نظم و نثر فارسی به شماره (۲۰۱) ۱۱۵۷۷/۱۵ کتابخانه

مرکزی دانشگاه تهران: این سند خود شامل چند بخش است که هر کدام دستخطی متفاوت و نوع کاغذ جداگانه دارد. بخش اول در موضوع علم بیان حدود سی صفحه است. بخش دوم با عنوان «تاریخ ادبیات ایران قرن سوم هجری تا قرن هفتم» در ۵ صفحه و ادامه آن با کاغذی دیگر و احتمالاً همان دستخط پیشین تحت عنوان «ادبیات از قرن پنجم تا قرن هفتم» که در حدود ۹۰ صفحه دارد و ۵ صفحه میانی آن سفید است. بخش سوم به موضوع تشبیه و سپس مجاز می‌پردازد در ۲۲ صفحه (بخش اول) و ۱۱ صفحه بخش دوم آمده است. بخش چهارم ۳۵ صفحه مطالب پراکنده تاریخ ادبیات است که با معرفی شقیق بلخی آغاز می‌شود و همچنین در ادامه سلمان ساوجی، خواجه کرمانی، حافظ شیرازی، مقایسه سعدی و حافظ و فتنه افغانه را مرور می‌کند و یکباره وارد موضوع نظم فارسی از عهد صفویه تا عصر حاضر می‌شود و ضمن آن برخی تذکره‌های مهم عهد قاجار را نیز معرفی می‌کند و بخش‌های پایانی این مجموعه درباره سبک هندی و اولین کتاب‌های فارسی در هند است. در نهایت نیز چند مطلب پراکنده



درباره تشبیه و برخی کاربردهای دستوری نظیر فک اضافه، اضافه، صفت، مواقع تفکیک صفت و ... دارد که همراه با شواهد بسیار در شعر فارسی است.

در خصوص این سند چنانکه تفاوت رنگ کاغذها و در مواردی دستخطها نشان می‌دهد دست نوشته دانشجویان است که در مواردی هم به صورت مبهم به آن اشاره شده و یا تاریخ درس در آن ذکر شده است.

- **سند دیگری به شماره ۱۱۵۷۷/۱۶** به دستخط ذبیح الله صفاست در حدود ۹۰ صفحه و عنوان آن «صرف و نحو و علم بلاغت فارسی» است. این دست‌نوشته گویا بیانات استاد در کلاس‌های درس ادبیات فارسی دانشسرای عالی بوده است و بخش‌های دستوری مانند اضافه و صفت و فک اضافه و ... با قسمت‌هایی از سند پیشین که قبلاً اشاره شد همانندی بسیار دارد. بخش‌های پایانی این دست‌نوشته در موضوع علم بلاغت است.

- **سند دیگر به شماره ۱۱۵۷۷/۱۸** در حدود سی صفحه به دستخط ضیاء الدین سجادی و در موضوع معانی و بیان است.

- **سند شماره ۱۱۵۷۷/۳۲** در حدود ۱۵۰ صفحه و شامل دو بخش است. این سند به خط خود استاد است. بخش اول با عنوان فلسفه که حدود ۸۸ صفحه را شامل می‌شود و مطالبش در موضوع فلسفه و حکمت و حاوی اصطلاحات تخصصی در این حوزه است. و بخش دوم همان مطالب تاریخ ادبیات است که در حدود ۶۵ صفحه آمده و به نظر می‌رسد توسط شاگردان ایشان در کلاس‌های درس تحریر شده باشد.

- **برخی اسناد موجود دیگر نظیر سند شماره ۱۱۵۷۷/۲۰ و ۱۱۵۷۷/۳۰** نسخه‌های تایپ اولیه کتاب تاریخ ادبیات ایران بودند. و همچنین ۹ سند دیگر که همگی با شماره ۱۱۵۷۷ و ذیل یک عنوان قرار داشت بخش‌های مختلف کتاب تاریخ ادبیات ایران بود که به صورت دست‌نویس و همگی به خط خود استاد است و همان نسخه‌هایی است که عنایت الله مجیدی آنها را به چاپ رسانده است.

۱-۲- مروری بر محتوای اثر «شعر و شاعری»

فصل نخست با تعریف شعر از نظر لغوی و سپس شرح معنای اصطلاحی آن آغاز می‌شود برخی از مهم‌ترین



موضوعات مطرح شده در این بخش عبارت است از: کاربرد وزن، خیال و قافیه در شعر؛ پیشینه شعر فارسی در خسروانی‌ها، لاس‌کوی‌ها، اورامن‌ها، اوزان خسروانی‌ها و موضوع آنها؛ انکار شعر در نظر برخی منتقدین و مروری بر دیدگاه منکران شعر و شاعری؛ جایگاه مدح در شعر و ویژگی شاعران مداح.

بخش بعد که از حدود صفحه ۱۴ در نسخه دست‌نویس آغاز می‌شود به معرفی برخی از مهم‌ترین شاعران می‌پردازد و از مبحث نخستین شعر یا نخستین شاعر (از آدم ابوالبشر تا ابلیس و بهرام گور و ...) و بیان دیدگاه‌های مختلف در این موضوع آغاز می‌شود. شاعرانی که به ترتیب در این بخش معرفی می‌شوند عبارتند از: ابوحفص سغدی سمرقندی، خواجه ابوالعباس مروزی، حنظله بادغیسی، فیروز مشرقی، ابوسلیک گرگانی، ابوشکور بلخی، محمد بن موسی فرااوی، محمد بن صالح نوائحی، دقیقی مروزی، رودکی، عنصری، مسعود سعد سلمان، فرخی سیستانی، منوچهری و فردوسی.

در این بین همچنین بنا به اهمیت شاعر مورد نظر اشعاری از ایشان را نیز آورده است. بیشتر شواهد مثال شعری در این بخش اختصاص به دقیقی، رودکی، عنصری مسعود سعد، فرخی و منوچهری دارد. در ذیل معرفی مسعود سعد، بخشی نیز به بیان نظر استاد ادیب نیشابوری درباره شعر مسعود سعد پرداخته است که خواندنی است:

«الحق فاضلی است بی عدیل سلطان المحققین آیت الله فی العالمین فاضل لیب استاد فرجاد ادیب نیشابوری به بنده نگارنده می‌فرمود: ای ضیا بر تو باد به تتبع طرز مسعود که وی شاعری است بس مفلق و حکیمی است مدقق و کسی که استاد ادیب در حقیقت بدین گونه سخن گوید، یقین بدان که او را در شاعری مقام بلندی است ما از قصائد او فقط به دو قصیده اکتفا می‌کنیم. زیرا که صاحب ذوق سلیم را همینقدر کافی است و اختیار ابیات او غلط است..»

همچنین در پایان این بخش بعد از معرفی فردوسی نظر شاعران بسیاری را درباره فردوسی آورده است و زحمت بسیار در گردآوری این بخش متحمل شده است. در همینجا پس از معرفی فردوسی و مرور اشعارش از شعرای دیگر دوره غزنوی یاد می‌کند و معرفی آنها را به زمانی دیگر موکول می‌کند:

«در عصر غزنویه شعرای دیگر نیز مانند حکیم سنائی و بوحنیفه اسکافی، عسجدی مروزی، غضائری رازی، زینتی علوی، بهرامی سرخسی بروز کردند که ذکر حالات و ابیات آنها باعث تطویل است. انشا الله در وقت فرصت ذکر آنها نیز خواهیم کرد»



و نکته جالب دیگر اینکه در ادامه می‌گوید:

«پس از این شعرا اگر چه شعر مُرد ولی بازهم در زمان سلاجقه شعرای خوب مانند معزی، انوری، رشید الدین وطواط، جمال الدین عبدالرزاق، ظهیر فاریابی، کمال الدین اسماعیل، ادیب صابر، خاقانی شیروانی و غیرهم پیدا شدند، ولی به مرتبه آن شعرای مذکور نرسیدند. بلی درین بین شعرای متغزل مانند سعدی و حافظ و غیرهم ظهور و بروز کردند. ولی قصیده سرائی و سبک ترکستانی مفقود شد و دیگر ظهور نکرد.»

از نظر فروزانفر اوج قصیده سرائی در همان سبک ترکستانی یا به عبارتی خراسانی است و ادامه آن را تنها در شعرای عصر قاجار می‌توان یافت. از همین رو با گذشتن از شاعران دوره سلجوقی و عصر مغول یا دوره عراقی و حتی دوران صفویه و سبک هندی به عصر قاجاریه می‌رسد و معتقد است در این دوران دوباره شاهد ترقی شعر و شاعری هستیم. وی می‌گوید:

«تا عصر سلاطین قاجاریه که در این عصر باز شعر ترقی کرد. بزرگان این عصر مانند محمودخان ملک الشعرا، میرزا محمدعلی خان سروش اصفهانی، شمس الشعرا فتح الله خان شیبانی کاشانی، حکیم صفای اصفهانی سیبیل استاد فرجاد ادیب نیشابوری اطال الله بقائه بودند. این چند تن حقیقتاً نهایت اقتدار در سخنوری دارند.»

در معرفی این شاعران، سروش سپاهانی را «فرخی ثانی» می‌نامد و از هرکدام از شاعران فوق قسایدی دال بر قدرت سخنوری ایشان ذکر می‌کند و در پایان در حدود سیزده صفحه به ذکر اشعار استاد ادیب نیشابوری می‌پردازد و از شعر ایشان به عنوان نمونه اعلای شعر به ویژه در قالب قصیده یاد می‌کند و با اشعار استاد این بخش معرفی شاعران به پایان می‌رسد:

«دیگر از فحول شعرا و بزرگان ادبای این عصر بل تمام اعصار اعجوبه دهر أطروفه زمان کلمة الله العلیا فی الأرضین و آیه فی العالمین رئیس العقلا استاد فرجاد فاضل لبیب استاد ادیب نیشابوری است که خدایش زنده و پابنده بداراد. وی عالمی است عامل. فاضلی است کامل. ادیبی است بارع بدون منازع و مدافع. در علم ادب قلمی است بی‌کران، عمانی بی‌پایان، بحر إذا تحرک، طور اذا سکن در منطق و حکمت و سائر علوم عقلیه و نقلیه بحری است ژرف دریائی است بی‌پایان. کانی است گهر خیز...»

فروزانفر همچنین در اثنای معرفی ادیب نیشابوری به شاگردی او اشاره می‌کند و شعر او را از بسیاری متقدمین

برتر می‌شمرد:



«سخن به سبک متقدمین مانند فرخی و غیره بسیار نیکو می‌فرماید بل خود استاد آنها است از خود طریقه دارد بس شیوا که هر کس بشنود جامه از شوق به تن می‌درد: له شعراً أرقُّ من دمعِ العاشقِ وأدقُّ من دینِ الفاسقِ كأنما زُوجُ بالشَّمالِ وعُلِّلَ بالشَّمولِ فجاء كَنیلُ البُغیةِ ودَرَكَ المأمولِ الحاصل... امروز به اعتقاد تمام دانایان مانندش فاضلی در تمام ایران نیست. اکنون مدت چهل و پنج سال است که به تدریس علوم ادبیه مشغول است و به انزوا مایل. گویی ایزدش بی‌خود خواسته شراب بی‌خودیش در جام کرده شب و روز با اولیا مسامر است و با انبیا مقامر. جز خدای نمی‌گوید و جز او نمی‌جوید. طالب خداست و تهی از هوا و بری از ریا. خدای پرست است، نه هوا پرست. قولش حجت است و فعلش آیت. منت دونان نمی‌کشد. برخوان لئیمان نمی‌نشیند. سلطان کشور فضل است و شاهنشاه مملکت فقر:

گر نبودی خلق محجوب و کثیف
ور نبودی خلق هاتنگ و ضعیف
در مدیحه داد معنی دادمی
غیر این منطق لبی بگشادمی

من نیز اخذ علوم ادبیه و فنون عربیه از وی نمودم و اینک بعضی ابیاتش نقل می‌شود.

فصل بعد مروری بر بایدها و نبایدها در مضمون شعر است. برخی از مهم‌ترین موضوعات مطرح شده در این بخش: اشاره به سگیه‌ها و مطرود دانستن آنها در قلمرو شعر و همچنین لزوم پرهیز از تراکیب قبیحه و برخورد شاعران با موضوع «غیرت عشقیه» است. با همه جزالت کلام و استواری سخنی که در این بزرگمرد ادب سراغ داریم و با احترام به ارزش والای ایشان برخی مطالب مطرح شده در این بخش قابل نقد و شایسته تأمل است.

برای نمونه در همین بخش به شعر سعدی انتقاد دارد که چرا در مقابل معشوق اظهار ذلت کرده است و به گونه‌ای در مقام مقایسه اشعاری از استاد ادیب نیشابوری را ذکر می‌کند که در آنها مناعت طبع و عزت نفس در مقابل معشوق به چشم می‌خورد:

«شخص شاعر در شعر چند نکته را باید منظور نظر قرار بدهد. اولاً باید که هیچ‌گاه اظهار ذلت در نزد ممدوح یا معشوق نکند همه وقت بابت عدم اعشا و بزرگی و بزرگواری خود را در نزد ممدوح یا معشوق ذکر نموده بیان فقر و مسکنت و ذلت نکند. بلی ما منکر نیستیم که عاشق واقعی عزت و ذلت را نمی‌فهمد. غنی و فقر، شاهی و بندگی در نزدش یکسان است؛ در نزد معشوق کبر نیاید کرد ولی نه تا به حدی که بگویند:



به زیر بار تو سعدی چو خر در گل درماند دلت نسوخت که بیچاره بار من دارد»

و حال آنکه استاد سخن سعدی است نزد همه کس و انتقادی چنین به ساحت وی منصفانه نیست.

فصل بعد در موضوع حماسه است. ابتدا شعر حماسی را در ادبیات عرب و سپس در شعر عجم با بیان شواهد مثال از هردو زبان معرفی کرده است و از بین شاعران فارسی زبان بیش از همه به ذکر اشعار مسعود سعد و فرخی و منوچهری پرداخته است. سپس به معرفی علوم ادبی و لزوم تسلط شاعر بدان اشاره می‌کند در این بخش هر علم را ابتدا معرفی کرده و سپس در خصوص واضح آن علم و چگونگی ارتباط آن با شعر و سخن، مطالبی را بیان می‌کند. این علوم عبارتند از: صرف و نحو، معانی و بیان، و عروض و قافیه.

بخش پایانی این دست‌نوشته به مباحث عروضی اختصاص دارد که شامل موضوعات زیر است: لزوم آگاهی بر علم عروض، آشنایی با اصطلاحات عروضیه، تقطیع، موزون و ناموزون، حروف ملفوظ و غیر ملفوظ، موقعیت الف-ها-واو-یا-نون ساکن-تشدید و .. در تقطیع، افاعیل عروضی، اجزای بیت، وجه تسمیه اجزا و ... و در همینجا این بیانات ارزشمند تمام می‌شود.

۲-۲- نکات مهم درباره تصحیح نسخه دست نویس:

از آنجا که نویسنده این متن از فحول ادبیات ایران و در سخنوری بی‌همتاست، متن نیز منقح، ویراسته و پیراسته است. با این حال در تصحیح، اعمال پاره‌ای اصلاحات نگارشی و ویرایشی در متن ناگزیر است؛ تا بواسطه آن رسم الخط پذیرفته شده مطابق معیارهای امروز دنیای نشر رعایت شود. از همین رو تصرفات زیر در متن مصحح الزامی است:

- در خصوص علایم نگارشی و ویرایشی، لازم است علایمی چون نقطه، ویرگول، نقطه ویرگول، پرانتز، گیومه و ... به متن افزوده شود. همچنین استفاده از پرانتز در متن دستنویس بسیار زیاد است و در پاره‌ای موارد ضروری نبوده و یا یک سوی آن از قلم افتاده است. همچنین گاهی شواهد مثال شعری در میان پرانتز آمده و گاه بدون استفاده از پرانتز در ردیف متن است.



- در مورد تعریب و تشکیل عبارت‌های عربی و یا در موارد لزوم فارسی، با توجه به وفور استفاده از کلمات دشوار و یا معرب به ویژه در هنگامی که شائبه و احتمال بدخوانی و یا غلط‌خوانی وجود دارد، لازم است کلمات اعراب‌گذاری یا مُسَكَّل شود.

- در مورد املائی کلمات، گاهی با مواردی مواجه می‌شویم که به نظر می‌رسد استاد تعمدی در استفاده از املائی مورد نظر داشته است به جهت رعایت امانت لازم است شکل موجود حفظ شود. برخی از این موارد اختلاف رسم الخطی می‌تواند در صورت لزوم مورد بحث قرار گیرد. (برای نمونه بیچاره‌گی ← بیچارگی)

- یای میانجی در صورتی که بر روی «های غیر ملفوظ» بوده است به صورت بِنْدَه آمده است. همچنین یای میانجی بدل از کسره بعد از مصوت آ در متن دست نویس با نشانه «ء» ذکر شده است: برای نمونه: (ادباء وقت ← ادبای وقت)

- حرف اضافه به تقریباً همه جا به متمم بعد از خود چسبیده است. مصححان متن معمولاً اینگونه موارد را در تصحیح نهایی حتماً جدا می‌نویسند.

- بای پیشوند فعل که باید به فعل بچسبد گاهی به صورت جدا نوشته شده است و لازم است تصحیح شود. مثلاً در بیت:

خیز مسعود سعد رنجه مباش هر چه یزدان دهد برو پیسند

که در متن به پسند آمده است.

- در موارد نادری نیز اغلاط املائی در متن وجود داشت مانند املائی کلمه مؤونت در این شعر معروف رودکی:

عیال نه زن و فرزند نه مؤونت نه ازین همه تنم آسوده بود و آسان بود.

در این بیت کلمه مؤونت با املائی معونت نوشته شده است که اشتباه است.

و یا در جای دیگر نام اثر معروف عنصری به صورت نهر عین الحیات نوشته شده بود، حال آنکه می‌دانیم نام این اثر شادبهر و عین الحیات است.

همچنین در مورد بیتی که از چهار مقاله نظامی عروضی نقل شده به جای واژه «شاعری» واژه «شاعران» آمده



که وزن را دچار اشکال می‌کند این مورد نیز با مراجعه به منبع اصلی لازم است تصحیح شود.

کانکس که شعر داند، داند که در جهان صاحبقران شاعری استاد رودکی است.

در مورد آیات قرآنی و استشهادهای بدان به دلیل حساسیت موجود همه موارد با قرآن تطبیق داده شده است و مواردی وجود دارد که لازم است تصحیح شود. (برای نمونه یوم التناد یوم تولون طبرینا ← که اصل آیه این است: «یا قوم انی اخاف علیکم یوم التناد یوم تولون مدبرین») (سوره غافر آیه ۴۰)

- گاهی واژه‌هایی مربوط به نسخه بدل‌های برخی شواهد شعری در حاشیه متن آمده است. برای نمونه در مصرع: «ای عهد تو بر شکسته چون زلفت» که در کنار عهد کلمه جعد نوشته شده است.

۳-۲- ترجمه عبارات و اشعار عربی و ذکر مأخذ:

در این دست نوشته به شیوه قدما همه جا فارسی و عربی چه در نثر و چه در نظم در هم آمیخته است. صرف نظر از شاهد مثال‌های شعری به زبان عربی و یا نقل قول‌هایی که در توضیح ریشه واژگان و یا در تعریف فنون شعری و غیر از آن به زبان عربی آمده است در بسیاری موارد توضیحات حاشیه‌ای و یا شرح و تفسیرهای غیر ضروری نیز در دنباله سخن به عربی ذکر شده است و ممکن است استفاده از متن را برای مخاطبان با دشواری مواجه کند. از آنجا که در زمان تألیف این کتاب احتمالاً بسیاری از دیوان‌های فارسی و عربی تصحیح و چاپ نشده و به صورت نسخه خطی در اختیار استاد بوده است و با توجه به اینکه نمی‌دانیم کدام نسخه‌های این آثار در هنگام نوشتن کتاب مورد استفاده ایشان بوده است، گاهی صورت اشعار و عباراتی که در این دست نوشته ثبت شده است با صورت امروزی و مشهور آن تفاوت‌هایی دارد.

در یک مورد هم به نظر می‌رسد نام شاعر عرب به اشتباه ذکر شده است آنجا که می‌گوید:

«وقال ابودلف العجلي:

أَجْبُكِ يَا ظَلُومٌ وَأَنْتِ مَنِّي مَكَانَ الرُّوحِ مِنْ جَسَدِ الْجَبَانِ

وَلَوْ أَنِّي أَقُولُ مَكَانَ رُوحِي خَشِيْتُ عَلَيْكَ بِأَدْرَةِ الطَّعَانِ



حال آنکه در منابع، سراینده این شعر عنتره بن شداد است. (ر.ک دیوان عنتره بن شداد، شرحه حمدو طماس، بیرون: دارالمعرفة، ۲۰۰۴، ص ۱۷۷).

همچنین در برخی موارد نام شاعر عرب ذکر نشده است. برای نمونه شاهد مثال زیر که با جستجو در دیوان‌ها و منابع موجود دریافتیم که این ابیات متعلق به ابراهیم عزری است. (ر.ک آیینه پژوهش، دفتر تبلیغات اسلامی، ج ۱۱۸، ص ۳).

«ولآخر:

لولا شهودُ الجود أنكر سامعُ	ما قالها حسانُ في غسان
وتزرى ثناء الرودكي مخلدا	من كل ما جمعت بنو سامان

همچنین در جای دیگری نیز دو بیت شعر را که منسوب به عنصری است از قول نظامی آورده:

«و هم نظامی گوید که نصر بن احمد که یکی از ملوک بنی سامان و اوج دولت آن خاندان ایام ملک او بود. ملوک بنی سامان نه تن بودند. چنان که شاعر گوید:

نه تن بودند زال سامان مشهور	هر یک به حکومت خراسان مغرور
اسمعیلی و احمدی و نصیری	دو نوح و دو عبدالملک و دو منصور



و یا اشعار زیر که از شاعر آن، با نام یکی از شعرای فارس یاد کرده و در ادامه گفته دیگری می‌گوید، در حالیکه همه این ابیات از شاطر عباس صبوحی است.

«یکی از شعرای فارس نگار خود را در حمام گاهی که به زیر آب رفته و زلف او بر زبر آب بود این دو بیت را گفت:

در آب پَر غراب افتاده مگر یا طبله مشک ناب افتاده مگر

پیچیده به روی آب دود سیهی آتش به میان آب افتاده مگر

دیگری:

پدر خواهد ببرد زلفکان چون کمندش را پسر حیران که چون سازد گرفتاران بندش را

کند کوتاه دست حسن از آن لعل شکرخندش نداند کان دو هندو پاسبانند قندش را

و در نهایت اینکه در جای دیگری اشعار زیر را به فردوسی نسبت داده است:

بسا کاخا که محمودش بنا کرد

که از رفعت همی با مه مرا کرد

نبینی زآن همه یک خشت بر پای

مدیح عنصری مانده است بر جای

حال آنکه نظامی عروضی (۱۳۲۷) در چهار مقاله، ص ۴۶ می‌گوید: مصنف گوید و بعد این ابیات ذکر شده و این یعنی ابیات از خود نظامی عروضی است.



- علاوه بر موارد فوق گاهی نیز در متن کتاب با واژگان دشوار یا اصطلاحاتی مواجهیم که برای برخی مخاطبان نیاز به توضیح بیشتر دارد.

- برای نمونه رک کلمات رخوة ← کلماتی که حرف رخوت دارند. حروف رخوت یعنی حروفی که صفت شدت دارند و هنگام ادای آنها به دلیل شدت و استواری در تلفظ صدا و نفس قطع و کلمه بعد تلفظ می‌شود...، در بخشی از باید نبایدهای شعری می‌گوید:

«سیم از چیزهائی که شاعر باید از آنها بپرهیزد تراکيب قبيحه کلمات رخوة است که شعر را از عذوبت خارج نموده طبع را متنفر می‌کند مانند قول ابوحنیفه اسکافی که گوید:

آفرین باد آن عارض پاکیزه چو سیم و آن دو زلفین سیاه از بر آن شکل دو جیم

و نیز از این قبیل است قول منوچهری که گوید:

تا زیم جهد کنم من که هوای تو کند

مستمع گمان می‌کند که میم در این کلمات ضمیر متکلم است این است که گمانش به چیزهای دیگر می‌رود و یا مانند قول آن شاعر که گوید: «نظیری را به مجلس بردم و یاران غلط کردم». مستمع وقتی این مصراع را شنید گاه هست که بگوید سرت را هم به سنگ زدی. گویند وقتی ابی تمام طائی انشاد می‌خواست کند یکی از قصائد خود را تا مطلع را علی مثلها من أربُع و مَلَاعِبِ یکی از مستمعین گفت لعنة الله و الملائكة و الناس اجمعین و کان فی ابی تمام حبسة شديدة فانقطع کلامه خجلا. پس بر شاعر لازم است که از این گونه سخنان همه وقت پرهیز می‌نموده باشد.»

همچنین است در خصوص کلمات و عباراتی نظیر: فوق القصوی ← نهایت انتظار، خاد ← زغن، رنگ ← بزکوهی و

۴-۲- شواهد شعری سروده فروزانفر:

می‌دانیم که بدیع الزمان فروزانفر در کنار سایر هنرها، به هنر شاعری نیز آراسته است و از مواهب آن محروم نمانده و آنگونه که پیداست سبک و سیاق شاعری اش نیز همانند سلیقه اش در انتخاب اشعار که قصاید پرطمطراق سبک ترکستانی و خراسانی را برترین نوع شعر می‌داند به همان سمت و سو مایل است. در متن این دست نوشته



نیز به ضرورت نیاز ابیاتی از سروده‌های خود را نیز درج کرده است که در اینجا مروری بر آن خواهیم داشت:

ابتدا در معرفی شاعران نخستین ذیل دقتی مروزى تعدادی از قصاید او را می‌آورد از جمله به مطلع یکی از قصایدش اشاره می‌کند که چنین است:

مهرگان آمد جشن ملک افریدونا آن کجا گاو نکو بودش برمایونا

و در ادامه می‌گوید که خودش نیز بر همین وزن و قافیه قصیده‌ای سروده است که اگر بر جماد بخوانند به رقص در خواهد آمد. آنگاه اشاره می‌کند که تنها تعدادی از ابیات آن را برای نمونه در اینجا ذکر خواهد کرد.

«نو بهار آمد در ده می آذرگونا ای به زلف و رخ اسپرغم و آذریونا

دشت ز اسپرغم و آذریون شد رشک بهشت خیز و پیش آور آن باد آذرگونا

باز چون طزه و رخسار تو بشکفت و دمید سوسن و لاله به باغ اندر گوناگونا

گل سوری چو رخ لیلی بشکفت و بر او بلبل بیدل آسیمه‌تر از مجنونا

نرگس دشتی پنداری کسری است همی به سر اندرش ز زر افسر افریدونا

گل به تن کرده همی جامه و استبرق سرخ لاله نعمان بر تن سلب از اکسونا

گل خودروی به باغ اندر ترکی چگلی است که به بر کرده همی جامه سقلاطونا



باری امروز یکی مجلس بایست آراست از لب دجله همی تا به لب جیحونا

و از کف سیم بناگوشی می‌باید خواست که کند سخره به رخسار مه گردونا

رخ او هم چو مه و سینه او هم چو نسیم قامت او چو الف طرّه او چون نونا

نه چنو ساده رخی بینی هرگز ز خلیج گذری صد ره اگر تا لب آبسگونا

همچنین بعد از پایان ابیات نیز اشاره می‌کند که این ابیات را برای آن آورده است که همه بدانند شاعران توانمند هنوز هستند وی در ادامه می‌گوید: «مقصود ما فقط از ذکر این ابیات این است که اگر مانند سلاطین سابق در این عصر هم باشند باز شعرا و فضلائی بزرگ پیدا می‌شوند که هیچ کدام در شعر از فرخی یا عنصری یا غضائری پایه کمتر نداشته باشند، ولی در این عصر بازار ادب کاسد است. کسی که تشویق کند شخص ادیب را نیست و الا فضلائی این عصر هم کمتر از فضلائی سابق نبودند.»

در جای دیگری ضمن اینکه از سگیه سرودن و اظهار خاکساری شاعران انتقاد می‌کند بیت دیگری از سروده‌های خود را ذکر کرده است آنجا که می‌گوید: «من در این معنی گویم:

من به خاک قدمت جبهه نخواهم سودن که به یک بوسه فروشد شرف و مجد و کرم؟

و در جای دیگر در همین مضمون می‌گوید:

با چنین هوش و خرد کایزاد داده است مرا به پیشیزی نخرم سیم و زر قارونا

و در ادامه می‌گوید از نکاتی که شاعر باید بدان توجه کند غیرت عشقیه است و بعد از ذکر بیتی از سعدی دو



بیت را به عنوان شاهد مثال از خودش ذکر می‌کند. بیت سعدی و دو بیت استاد فروزانفر به شرح زیر است:

«چنانکه شیخ مصلح الدین سعدی شیرازی گوید:

کام ازو کس نگرفته است به جز باد صبا که بر آن زلف و بناگوش و جبین برگذرد

من می‌گویم:

ماه گردون همه جائی بود و هرزه درا ماه من می‌نرود تا سر بازار همی

در جای دیگر گویم:

سرور را مردم بینند و نه بینند او را او به یک جای بود ماه فلک در همه جا است»

۵-۲- ذکر برخی نکات قابل تأمل انتقادی:

اثر ارزشمند استاد با همه ارزش‌های عالمانه و ادیبانه یکی دو نکته قابل تأمل نیز دارد که نمی‌توان به سادگی از کنار آن گذشت. نخست اینکه نثر کتاب گاه بی‌دلیل از فارسی به عربی تبدیل می‌شود و این نوسان استحاله از عربی به فارسی و بالعکس بدون هیچ دلیل خاص و ضرورتی صورت می‌گیرد. لذا متن کتاب را با دشواری و دیرفهمی مواجه می‌کند. برای نمونه بخش‌های مربوط به آشنایی با علوم مرتبط با شاعری و به ویژه علم عروض اغلب به عربی است. از سوی دیگر نثر فارسی ایشان در کتاب گاه کاملاً به سبک خراسانی دهه چهارم و پنجم نوشته شده و یادآور آثاری چون تاریخ بیهقی و یا سیاست نامه و قابوس نامه است. برای نمونه عبارات زیر که در توضیح چگونگی مواجهه با الف وصل در تقطیع آمده است:

«و بعضی این صورت را از قبیل الف وصل می‌دارند و می‌گویند که حرکت الف به یا متصل می‌شود و الف ساقط می‌گردد و این مصراع را چنین تقطیع می‌کنند ... و هیچ مثال دیگر نیآورده‌اند اگر در این صورت یا افتادی بایستی



که آن را مثال آورندی که در کلام بسیار واقع است و محتاج نشدندی به مثالی که در غایت کلی است و نیز اگر اسقاط یا روا داشتندی چه تفاوت می‌کند که بعد از یا الف وصل باشد یا حرف دیگر پس بایستی که چون گفتی احمد که بر وزن فاعلاتن است گفتی جعفر نیز روا بودی که بر وزن فاعلاتن باشد و نیست بلکه بر وزن مفعولاتن است و الله اعلم»

همانطور که ملاحظه می‌شود حتی ساختار تاریخی افعال شرطی و فعل استمراری در این جملات وجود دارد و ساختار متن به سبک و سیاق متون قرن چهار و پنج است.

۳- نتیجه‌گیری:

ضمن ادای احترام و تجلیل از استادان دغدغه‌مندی که خوش درخشیدند و ذکر آثارشان در این مقاله گذشت، و با اذعان به این نکته هرکدام از ایشان به نوبه خود بخشی از نعمت‌های موجود در گستره خوان پربرکت تألیفات استاد فروزانفر را در اختیار علاقه‌مندان قرار داده‌اند. نگارنده این سطور در هنگام بررسی میراث ارزشمند بدیع الزمان فروزانفر به دست نوشته‌ای برخورد که تاکنون منتشر نشده و حاوی مباحث ارزشمندی است. مطالب این اثر می‌تواند مکمل نظرات صائب ایشان در مبحث تاریخ ادبیات و به خصوص تاریخچه «شعر و شاعری» و بایدها و نبایدهای مربوط به آن باشد. این دست نوشته در مرکز اسناد و نسخ خطی دانشگاه تهران نگهداری می‌شود و شامل ۸۶ صفحه است که از تعریف شعر شروع شده و در ضمن توضیحات مربوط به دوایر عروضی نیمه تمام رها می‌شود. نگارنده این مقاله علی‌رغم تلاش بسیار و جستجو در همه اسناد موجود در این مجموعه نتوانست ادامه مطالب را بیابد. اما آنچه برجای مانده است در همین ساختار کنونی مفید و حاوی نکته‌هایی است که در این مقاله بدان‌ها اشاره شده است. این مجموعه از جهت مرور بر تاریخچه شعر و شاعری و موضوعات شعر در ادبیات کلاسیک ایران و نکات ارزنده در نقد شعر حائز اهمیت است. همچنین شاهد مثال‌های قابل تأمل در شعر فارسی و عربی به مناسبت موضوعات متنوع در آن ذکر شده که عموماً بدیع و بسیار راهگشاست. تأمل در محاسن و معایب اشعار، غور در معانی اولیه و ثانویه، تطبیق ساختار عروضی اشعار با معانی، جایگاه ملاحظات بدیعی و بیانی، تطبیق موردی شاهد مثال‌های فارسی با نمونه‌های ممتاز مشابه در شعر عرب، بیان بی‌پرده برخی برداشت‌ها و نقطه نظرهای استاد در باب معانی مرتبط با شعر، از وجوه اهمیت این نسخه ارزشمند محسوب می‌شود.



عدم تعارض منافع

نویسندگانی که نام‌هایشان ذکر شده است تأیید می‌کنند که هیچ وابستگی یا مشارکتی با هیچ سازمان یا نهادی که منافع مالی (مانند حق الزحمه؛ کمک‌های آموزشی؛ شرکت در سخنرانی‌ها؛ عضویت، استخدام، مشاوره، مالکیت سهام یا سایر منافع مالی؛ و شهادت کارشناسی یا ترتیبات مجوز اختراعات) یا منافع غیرمالی (مانند روابط شخصی یا حرفه‌ای، وابستگی‌ها، دانش یا باورها) در موضوع یا مواد مورد بحث در این دست‌نوشته ندارند.

منابع:

- قرآن کریم.
- دبیر سیاقی محمد (۱۳۸۶). تقریرات استاد بدیع الزمان فروزانفر درباره تاریخ ادبیات ایران، تهران: خجسته.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۵) لغتنامه، تهران: دانشگاه تهران.
- عنتره بن شداد (۱۹۶۴) دیوان، تحقیق و الدراسة محمد سعید مولوی المکتب الاسلامی.
- ----- (۲۰۰۴) دیوان، شرحه حمدو طماس، بیروت: دارالمعرفة.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۹۱) شاهنامه، تصحیح جلال خالقی مطلق، تهران: مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی.
- فروزانفر، بدیع الزمان (۱۴۰۰) تاریخ ادبیات ایران بعد از اسلام تا پایان تیموریان، به کوشش عنایت الله مجیدی، تهران: شرکت چاپ و انتشارات.
- _____ (۱۳۵۸) سخن و سخنوران، تهران: انتشارات خوارزمی.
- مجموعه مقالات و اشعار استاد فروزانفر (۱۳۵۱) به کوشش عنایت الله مجیدی تهران: دهخدا.
- نظامی عروضی، احمد بن عمر بن علی (۱۳۲۷) چهار مقاله، تصحیح محمد قزوینی، به کوشش محمد معین.
- نسخه خطی با عنوان: تقریرات درباره معانی و بیان و تاریخ نظم و نثر فارسی به شماره ۱۱۵۷۷/۱۵ (۲۰۱) کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.
- نسخه خطی با عنوان: «صرف و نحو و علم بلاغت فارسی» به شماره ۱۱۵۷۷/۱۶ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.
- نسخه خطی با عنوان: معانی و بیان به شماره ۱۱۵۷۷/۱۸ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.

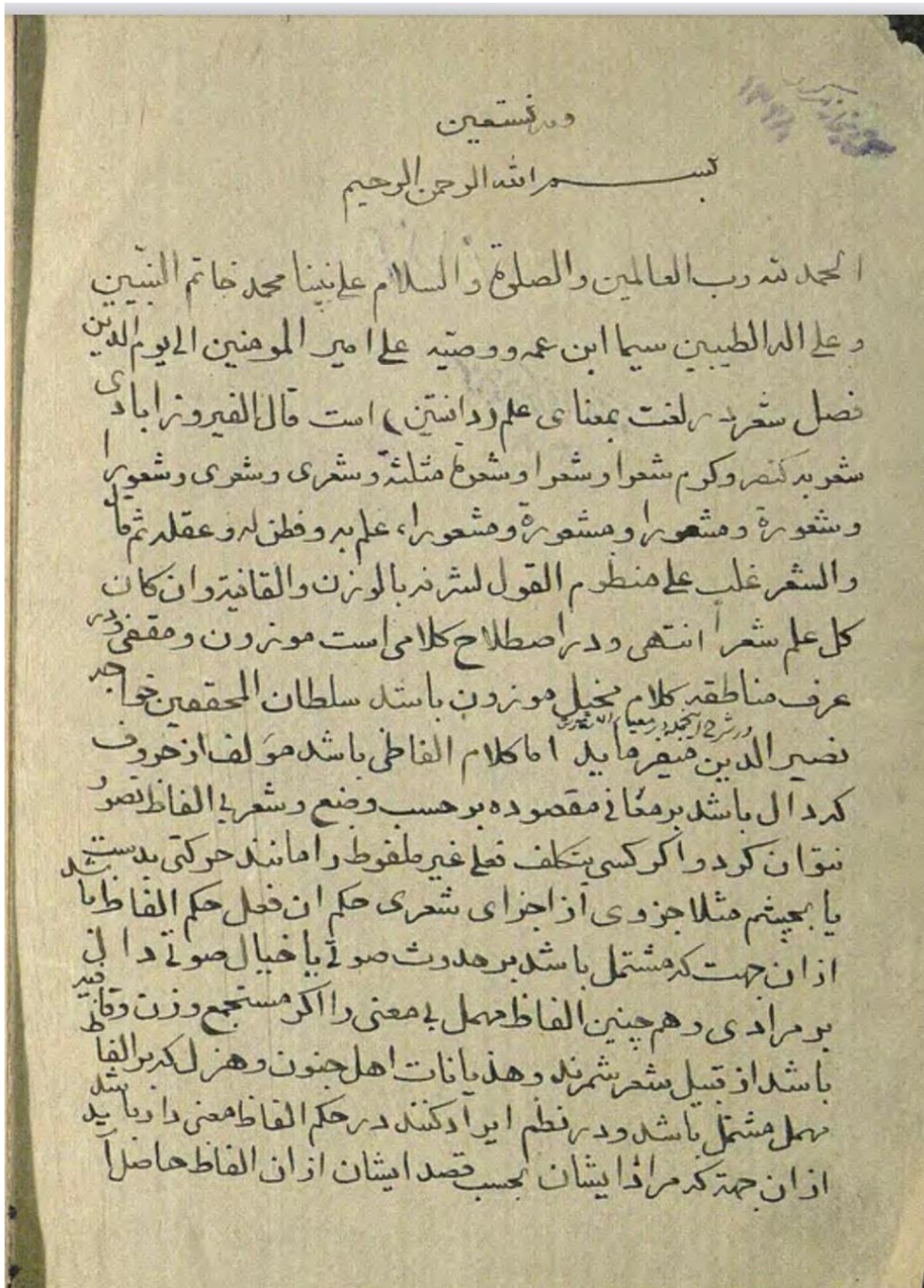


مطالعات

مقالات علمی

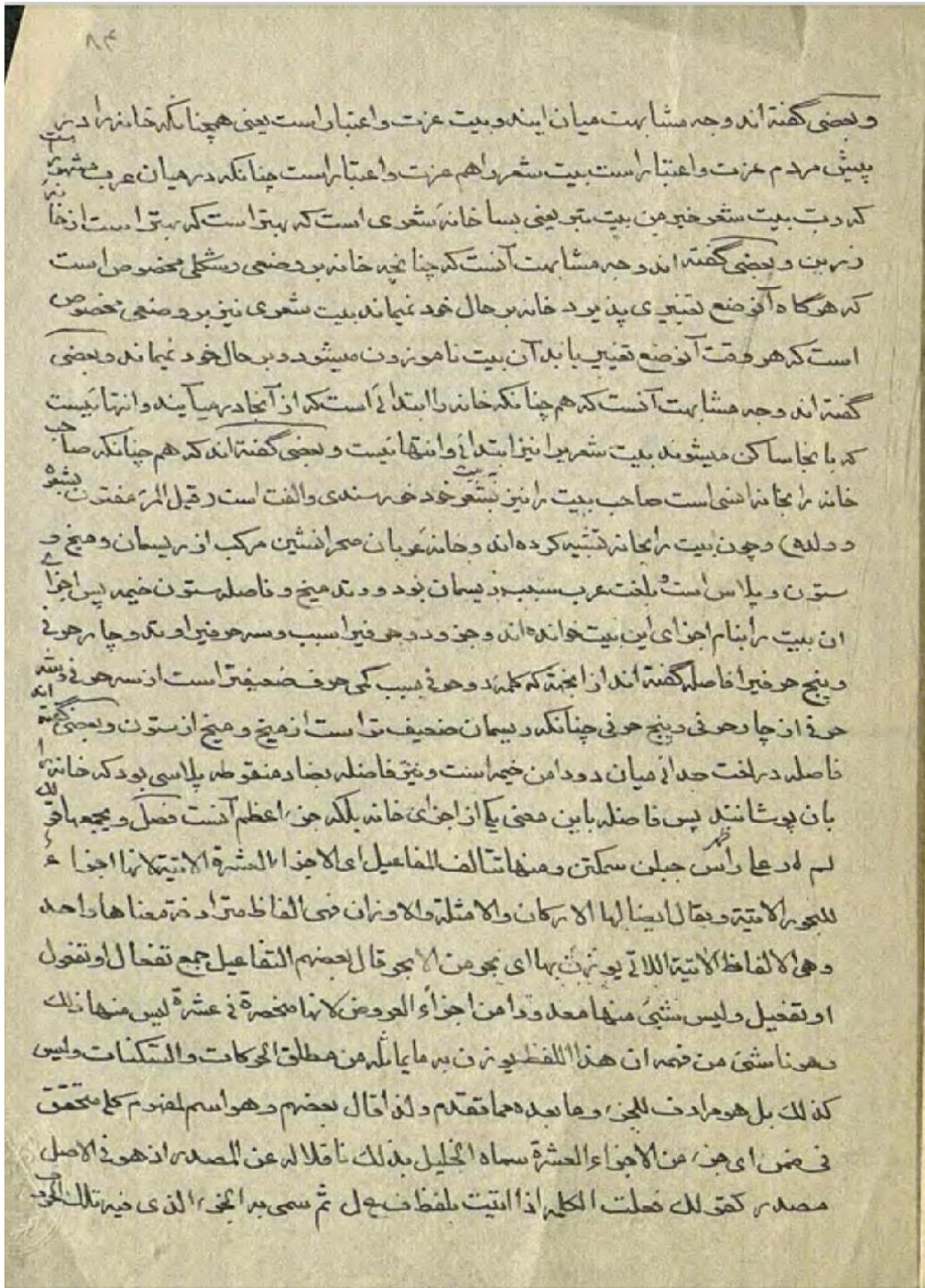
اخبار و گزارشها

- نسخه خطی با عنوان فلسفه و حکمت و ... شماره ۱۱۵۷۷/۳۲ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.
- سند شماره ۱۱۵۷۷/۲۰ و ۱۱۵۷۷/۳۰ نسخه‌های تاییدی اولیه تاریخ ادبیات ایران، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.



پیوست‌ها:

صفحه نخست



صفحه پایان